

پرسش ۶۴۴: چند سوال در مورد حضرت زهرا(س) و دشمنانش

السؤال / ۶۴۴:

- ۱- هل مظلومية الزهراء حقيقية، ومن قتلها؟
 - ۲- أين دفنت (عليها السلام)؟
 - ۳- لماذا سمى الأئمة أولادهم باسم الخلفاء؟
 - ۴- لماذا زوج علي(ع) ابنته لعمر؟
- أرجو التفصيل؛ لأني حياتي الدينية ومصيرها متوقف على إجاباتك سيدنا؟
المرسل: نبيل الشمري - الكويت

پرسش ۶۴۴:

- ۱- آیا مظلومیت زهرا(ع) واقعیت دارد؟ چه کسی او را کشته است؟
 - ۲- او(ع) کجا دفن شده است؟
 - ۳- چرا ائمه(ع) فرزندان خود را به نام خلفا نام گذاری کرده اند؟
 - ۴- چرا علی(ع) دخترش را به ازدواج عمر درآورد؟
- خواهش می کنم به طور مفصل جواب بدهید زیرا زندگی دینی من و سرانجام آن به پاسخ های شما موکول است، آقای ما.

فرستنده: نبیل الشمری - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد آله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

مظلومية الزهراء (عليها السلام) حقيقية، وكان من أسباب وفاتها ما جرى عليها من أذى في بيتها عندما أحرق بابها وكُسِر ضلعها وأُسقط

جنینها، وأخرجوا الإمام علياً(ع) مكتوفاً لكي يبيع أبا بكر بن أبي قحافة بالقوة والإجبار.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

مظلوميت زهرا(ع) حقيقت دارد و از جمله اسباب و عوامل وفات وی، آزارهایی بود که در خانه اش بر او رفت؛ آن گاه که در خانه اش به آتش کشیده شد، پهلویش شکسته شد، جنین اش سقط گشت و امام علی(ع) را دست بسته بیرون آوردند تا با زور و اجبار، با ابوبکر بن ابی قحافه بیعت کند.

وقد بقيت الزهراء (عليها السلام) غاضبة ومهاجرة لأبي بكر وعمر حتى وفاتها سلام الله عليها، وهذا ما رواه البخاري في صحيحه:

زهرا(ع) تا زمان وفاتش نسبت به ابوبکر و عمر خشمگین بود و از آنها کناره می گرفت، سلام خدا بر او باد! این روایتی است که بخاری در صحیح خود آورده است:

صحيح البخاري ج ٨ ص ٣: (عن عائشة: إن فاطمة والعباس (عليهما السلام) أتيا أبا بكر يلتزمان ميراثهما من رسول الله صلى الله عليه وسلم وهما حينئذ يطلبان أرضيهما من فديك وسهمهما من خيبر، فقال لهما أبو بكر: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا نورث ما تركنا صدقة، إنما يأكل آل محمد من هذا المال، قال أبو بكر: والله لا ادع أمراً رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يصنعه فيه إلا صنعته. قال: فهجرته فاطمة فلم تكلمه حتى ماتت).

صحیح بخاری، ج ۸ ص ۳: «از عایشه نقل شده که گفت: فاطمه (ع) و عباس نزد ابوبکر آمدند و ارثی را که از رسول خدا (ص) باقی مانده بود طلب کردند. آن دو، زمین پیامبر (ص) در فدک و سهم خیبر آن حضرت را خواستند. ابوبکر به آن‌ها گفت من از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: ما ارث نمی‌گذاریم، آنچه می‌گذاریم صدقه است. آل محمد (ع) از این مال استفاده می‌کنند. ابوبکر گفت: به خدا قسم رها نمی‌کنم کاری را که رسول خدا (ص) انجام داد جز این که همان را انجام دهم. راوی گوید: فاطمه (ع) از ابوبکر دوری گزید و هرگز با او صحبت نکرد تا از دنیا رفت».

**وقد صح عن الرسول (ص) أنه قال بحق فاطمة (عليها السلام):
(فاطمة بضعة مني فمن أغضبها أغضبني) [231].**

در حالی که ثابت شده است که پیامبر (ص) در حق فاطمه (ع) فرمود: «فاطمه پاره‌ی تن من است، هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است» [232].

(فاطمة بضعة مني يؤذيني ما آذاها) [233].

«فاطمه پاره‌ی تن من است، آنچه او را بیازارد، مرا آزرد می‌کند» [234].

(إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضائك) [235].

«خداوند به خاطر خشم تو خشمگین می‌شود و به خاطر رضای تو، راضی» [236].

**وقد دفنت الزهراء (عليها السلام) في البقيع مع ألمها وغيضاها
ومظلوميتها.**

زهرا (ع) با درد و خشم و مظلومیتش در بقیع به خاک سپرده شد.

وأما سبب تسمية أبنائها بـ (الخلفاء)، فلأنهم أوصياء الرسول محمد(ص) وخلفاؤه بعد أبيهم علي بن أبي طالب(ع)، وهذا ثابت في أحاديث صحيحة كثيرة رواها علماء أبناء العامة، منها حديث الثقلين:

اما دليل نام‌گذاری فرزندان حضرت زهرا(ع) به نام «خلفا» این است که آن‌ها اوصیای پیامبر خدا حضرت محمد(ص) و جانشینانش پس از پدرشان علی بن ابی طالب(ع) هستند و این موضوع در روایات صحیح بسیاری که علمای عامه روایت کرده‌اند ثابت شده‌است. از جمله‌ی این روایات حدیث ثقلین است:

عن زيد بن أرقم، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي؛ أحدهما أعظم من الآخر، كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما)^[237]. والعترة هنا هم علي وفاطمة وذريتهما، كما هو مبين في حديث الكساء الصحيح المشهور.

پیامبر خدا(ص) فرمود: (من در میان شما چیزی می‌گذارم که مادام که شما به آن تمسک جوئید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی از آن‌ها بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا رشته‌ای کشیده‌شده از آسمان به زمین است و دیگری عترت که اهل بیت من هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند. ببینید بعد از من با آن‌ها چگونه رفتار می‌کنید)^[238] و عترت در اینجا علی، فاطمه و فرزندان آن‌ها است همان‌طور که در حدیث صحیح و مشهور کساء بیان شده‌است.

وما يؤكد ذلك هو قول النبي(ص) عن الثقلين: (ولن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض)، أي إنهما باقيان مترافقان إلى يوم القيامة ويجب التمسك بكليهما لا بأحدهما فقط، فالذي فسّر العترة بنساء النبي(ص) يجب عليه الآن أن يحضر لنا أحد نساء النبي في هذا الزمان لكي نتمسك بها، وهذا

واضح البطلان، بل لم يقل أحد بوجوب التمسك بنساء النبي(ص)، بل أن الذين اقتدوا بعائشة في حرب الجمل ضلوا وحاربوا إمام زمانهم وخسروا الدنيا والآخرة، والحديث طويل لا يسع ذكره هنا.

و آنچه که بر این معنا تاکید می‌ورزد، سخن پیامبر(ص) درباره‌ی ثقلین است که فرمود: (و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند). یعنی آن‌ها با هم و همراه هم هستند تا روز قیامت و نیز باید به هر دوی آن‌ها تمسک جست، نه فقط به یکی از آن‌ها. کسی که عترت را به زنان پیامبر(ص) تفسیر کرده‌است، اکنون باید برای ما یکی از زنان پیامبر را در این زمان بیاورد تا ما به او تمسک جویم که البته بطلان این مطلب واضح است. بلکه هیچ کس نگفته‌است که تمسک به زنان پیامبر(ص) واجب است؛ و کسانی که در جنگ جمل به عائشه اقتدا کردند، به بیراهه رفتند و با امام زمان خود جنگیدند و در دنیا و آخرت جزو زیانکاران شدند. سخن در این باب بسیار است و این مقام را گنجایش آن نیست.

وأما مسألة تزويج علي(ع) ابنته لعمر فهي قضية لم تثبت، وعلى فرض ثبوتها فهي لا علاقة لها بمسألة الخلافة ومن هو الأحق بها بعد رسول الله(ص).

اما این قضیه که علی(ع) دخترش را به ازدواج عمر در آورده، موضوعی است که ثابت نشده‌است و به فرض هم اگر ثابت شود، به مسئله‌ی خلافت و این که شایسته‌ترین فرد پس از رسول خدا(ص) نسبت به دختر علی(ع) چه کسی است، ارتباطی ندارد.

**هداك الله لنصرة نبيك المصطفى وعترته أهل بيته الطيبين الطاهرين.
والحمد لله وحده.**

خداوند شما را برای یاری پیامبر مصطفی و عترت او اهل بیت طیب و طاهرینش
هدایت فرماید.
و الحمد لله وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم العقيلي - آخر ذی
الحجه / ١٤٣٢ هـ



- [231] - رواه البخاري في صحيحه: ج4 باب مناقب قرابة رسول الله ص210.
- [232] - آن را بخاری در صحیحش جلد 4 باب «مناقب قرابة رسول الله» ص 210 آورده است.
- [233] - رواه مسلم في صحيحه: ج7 باب فضائل فاطمة ص141.
- [234] - آن را مسلم در صحیحش جلد 7 باب «فضائل فاطمه» ص 141 آورده است.
- [235] - رواه الحاكم النيسابوري في المستدرک وصححه: ج3 ص153 - 154، والطبراني في المعجم الكبير: ج1 ص108 ح182، والهيثمی في مجمع الزوائد: ج9 ص203، وقال عنه: رواه الطبراني وإسناده حسن، والمتقي الهندي في كنز العمال: ج12 ص111 ح34238.
- [236] - حاكم نيشابوري، مستدرک و صححه: ج 3 ص 153 و 154؛ طبرانی، معجم كبير: ج 1 ص 108 ح 182؛ هيثمی، مجمع الزوائد: ج 9 ص 203 و درباره‌ی آن گفته است: طبرانی با سند حسن روایت کرده است؛ متقی هندی، كنز العمال: ج 12 ص 111 ح 34238.
- [237] - رواه الترمذي في صحيحه: ج5 ص328 - 329 ح3876. وقال عنه: (هذا حديث حسن غريب)، ورواه المتقي الهندي في كنز العمال: ج1 ص173 برقم 873، ورواه عبد بن حميد بن نصر الكسبي في منتخب مسنده: ص107 - 108 برقم 240 باختلاف يسير، وصححه الألباني في صحيح سنن الترمذي: ج3 ص543 - 544 برقم 3788.
- [238] - ترمذی در صحیحش: ج 5 ص 328 و 329 ح 3876 و درباره‌ی آن گفته است: «این حدیث حسن غریب است»؛ متقی هندی در كنز العمل: ج 1 ص 173 شماره 873؛ عبد بن حميد بن نصر الكسبي در منتخب مسندش: ص 107 و 108 شماره 240 با اختلاف اندک؛ البانی در صحيح سنن ترمذی صحت آن را تایید نموده: ج 3 ص 543 و 544 شماره 3788.

